

# داستان عبرت انگیز اصحاب فیل دروادی مُحَسَّر

: تتبع و نگارش

«الحاج امین الدین» سعیدی - سعید افغانی

مدیر مطالعات ستراتژیک افغان و

مسؤل مرکز کلتوری د-----ق لاره- جرمنی

محسر منطقه است که در میان مزدلفه و منی موقعیت دارد و مطابق روایات تاریخی ، اصحاب فیل و سپاهیان ابرهه که قصد تخریب بیت الله ( کعبه ) را داشتند ، در همین وادی به هلاکت رسیده اند. بعد از هلاکت ، شکست تاریخی و فرار نیروهای ابرهه ، این وادی در بین قبایل اعراب بنام وادی مُحَسَّر شهرت یافت . این وادی در منطقه ای قرار دارد که نه جزو منطقه منی و نه جز منطقه مشعر میباشد . مطابق طول و عرض که توسط علماء صورت گرفته است ، طول وادی مُحَسَّر تقریباً به 3812 متر میرسد .

نقطه پایان وادی محسر ، بنام مأزمین ( دو کوهی که در خط السیر حجاج از منطقه مزدلفه به منی قرار دارد ) است. بخش وسیع و اکثریت وادی محسر ، مزدلفه نامیده می شود ، و تقریباً 2548 متر طول دارد و از مشعر الحرام یا منطقه فُزَح آغاز میابد و علامت آن دو دیوار است که یکی آن در راست و دیگری آن در چپ موقعیت دارد . ناگفته نباید گذاشت رودخانه ( محسر ) در پایان سرزمین مزدلفه ، باریک می شود و عرض آن به 50 متر می رسد و تا مسافتی در حدود 4372 متر یعنی تا العلمین که مرز حرم از سمت عرفه است ؛ امتداد پیدا می کند. این دو ساختمان ، مانند دو ساختمان موجود در مشعر ( ستون سنگی ) ولی کوچکتر هستند و فاصله میان آن دو ، 100 متر است. اینجا رودخانه را مأزمین ، یا طریق المأزمین یا تنگه میان مزدلفه و عرفه می نامند. زیرا دو کوهی که در دو طرف آن است مأزمین نام دارند ، و مأزم به معنای راه باریک میان دو کوه است . فاصله میان جمره عقبه تا وادی محسر ( طول منی ) : 3528 متر میرسد . همه ای علماء اسلام در مورد متفق القول اند و این را بر کسانی که توانمندی آنرا داشته باشند ، مستحب میدانند که : **حجاج باید در وقت حج و عمره از این منطقه کمی بسرعت بگذرند .**

امام نووی رحمه الله میفرماید ؛ به سرعت گذشتن از این منطقه کاری مستحب بوده ، فرق نمی کند اگر حاجی پیاده باشد ، در سرعت خویش به افزایش و اگر سوار بر شتر و یا سایر وسایل حمل نقل باشد ، باید از این منطقه به خاطر متابعت از حدیث پیامبر صلی الله علیه و سلم به سرعت بگذرد .

در حدیثی که از جابر ( رضی الله عنه ) در مورد صفت حج پیامبر صلی الله علیه و سلم در حج الوداع روایت گردیده است آمده است : **« حَتَّى آتَى بَطْنَ مُحَسَّرٍ فَحَرَكَ قَلِيلًا »** . ( « راوی حدیث امام مسلم ( 2137 ) .

همچنان در حدیث که از حضرت علی کرم الله وجهه روایت گردیده است که پیامبر صلی الله علیه و سلم از وادی محسر به شتاب گذشته و سرعت خویش را در این منطقه کمی سرعت بخشیده است .

حضرت علی کرم الله وجهه میفرماید : « ثم أفاض حتى انتهى إلى وادي محسر ففرغ ناquite ، فخبث حتى جاوز الوادي » . ( راوی حدیث امام الترمذی شماره حدیث ( 885 ) ، و شیخ الألبانی این حدیث در جمله حسنه بحساب آورده غرض معلومات بیشتر میتوان به احادیث ( شماره ( 886 ) امام ترمیزی ، و حدیث شماره ، النسائی ( 3053 ) امام النسائی ، که همه ای این حدیث از جانب شیخ الألبانی البانی ( صحیح خوانده ، مراجعه فرماید ) .

## ( معنای لغوی محسر )

. محسر از ریشه حَسَرَ و معنای آن خسته شدن و از پا افتادن آمده است خداوند متعال در قرآن عظیم الشان میفرماید : « ... ینقلب إليك البصر خاسئاً و هو حسیر . (سوره الملک: آیه 4 ) چشم ، با خستگی به سوی تو باز می گردد طوری که قبلاً متذکر شدیم علت نامگذاری این منطقه به وادی محسر آن است که ابرهه و

لشکرآن که با فیل برای نابودی و تخریب کعبه آمدند، زمانیکه بدین منطقه رسیدند ، مطابق روایت قرآن عظیم الشان ، با سنگریزه های سچیل از پای افتادند و نابود گردیدند .

## نامهای محسّر

مورخین مینویسند که این وادی بنامهای دیگری بین مردم هم شهرت داشت که مشهورترین آن عبارت است از :

### 1- وادی النار :

اکثر مردم مکه این منطقه را بنام وادی نار می شناختند . و میگویند در زمانهای قبل یکی از ساکنین منطقه مکه غرض شکار به این منطقه رفته بود ، و آتشی از آسمان آمد و او را سوزانید محمد حسین هیکل بر طبق دیدگاه علمی - تجربی خود ، این نامگذاری را چنین توجیه می کند که : آتش بیماری آبله در این منطقه است که بعد ها ، سربازان ابرهه را نیز سوزانید ، قابل تذکر است که : این تحلیل بر خلاف ظاهر فهم آیات قرآنی میباشد .

### 2- مهلل :

ز  
ب  
ا  
پ  
س  
ا  
گ



امگزاری وادی محسّر بنام مهلل ه علت است ، زمانیکه حجاج به این منطقه میرسند مطابق سنت پیامبر صلی الله علیه وسلم به رعیت از این منطقه تیر میشوند .

### 3- مهلل :

زیرا این محل نزد مردم مشهور است ، و یا به دلیل که در فوق ذکر گردید .

### 4- بطن محسّر :

در روایت اسلامی آمده است که حضرت عمر (رض) زمانیکه به این منطقه میرسید این اشعار را با خود زمزمه میگرد :

الیک تسعی قللاً وزینها مخالفاً دین النصاری دینها  
معرضاً فی بطنها جنینها قد ذهب الشحم الذی یزینها

در حالیکه کمربندش می جنبد به سوی تو می آید و دین او با دین نصاری مخالف است فرزند خود را در شکم ، جای داده است و پیه و چربی که زینت بخش او بود ، از دست داده است همچنان عبدالله بن عمر هم زمانیکه به این وادی می رسید نیز همین کار را می کرد ، و همین حالا حجاج کرام نیز سنت پیامبر صلی الله علیه وسلم را مراعات مینمایند .



## داستان اصحاب فیل :

بسم الله الرحمن الرحيم

أَلَمْ تَرَ كَيْفَ فَعَلَ رَبُّكَ بِأَصْحَابِ الْفِيلِ (1) أَلَمْ يَجْعَلْ كَيْدَهُمْ فِي تَضَلُّلٍ (2) وَأَرْسَلَ عَلَيْهِمْ طَيْرًا أَبَابِيلَ (3) تَرْمِيهِمْ بِحِجَارَةٍ مِنْ سِجِّيلٍ (4) فَجَعَلَهُمْ كَعَصْفٍ مَأْكُولٍ

داستان اصحاب فیل یکی از با عبرت‌ترین داستان‌های در تاریخ بشریت می‌باشد ، مورخین داستان ( ابرهه ) مسیحی که در سال ( ۵۷۰ - ۵۷۱ ) میلادی ، با قوای ۶۰ هزار نفری مجهز با فیل‌ها و ساز و برگ نظامی برای فتح مکه و تخریب کعبه براه افتاد چنین شرح داده اند . مورخین مینویسند زمانیکه قوای نظامی و حربی ابرهه از کشور یمن به منطقه ( المغمس ) رسید ، گروه سواره را غرض تسلیمی مردم به مکه فرستادند ، و طی نامه ای به اهالی مکه خطاب نموده اعلام داشتند :  
من قصد جنگ با اهالی مکه را ندارم ، آمده ام تا فقط کعبه را ویران کنم ، اگر با این خواهش من موافق هستید ، نماینده خویش را عرض مذاکره و جرگه نزد ارسال نماید .

در این میان مردم مکه با هم جرگه مینمایند و در مورد این اقدام تصمیم مشترک را اتخاذ مینمایند . سران مکه بعد از مطالعه نامه تهدید آمیز ابرهه سردار مکه عبدالمطلب را به منظور مذاکره نزد ابرهه میفرستند .

میگویند عبدالمطلب مرد قوی هیکل ، دارای ریش مبارک ، مرد چهارشانه ، و سروصورت نورانی و جذابی داشت .

همینکه عبدالمطلب به نزد ابراهه آمد ، ابرهه از دیدن اوستخت تحت تأثیرش قرار گرفت . میگویند ابرهه بخاطر احترام او از تاخت خود پایین آمد و روی زمین و نزدیک او نشست .

بعد از عرض سلام ابرهه سر صحبت را با عبدالمطلب آغاز کرد و عزم خویش را که ویرانی و تخریب کعبه است با عبدالمطلب در میان گذاشت .

عبدالمطلب صحبت های ابراهه را با دقت تام گوش میگرد ، و در جریان صحبت هیچ ابراز نظر نمیکرد و چیزی نمی گفت :

در ختم صحبت ابراهه روی بطرف عبدالمطلب نموده گفت : اگر شما خواهش از من داشته باشید میتوانید بگوید :

عبدالمطلب به ترجمان ابراهه گفت : ( سربازان و لشکریان تو دوصد دانه شتر مرا به ( غارت برده اند ، به ایشان هدایت فرماید تا آن را دوباره بمن مسترد نمایند .

ابراهه از این درخواست عبدالمطلب سخت در تعجب افتاد به مترجم گفت : به عبدالمطلب بگوید :

هنگامی که شما را دیدم عظمتی از تو در دلم بوجود آمد ، ولی شنیدن صحبت شما در مورد مطالبه اموالت از وقارت نزد کاست ، عجب است که در استرداد شترهایت اصرار داری ، ولی در باره کعبه که محل عبادت شما ، محل عبادت ابا و اجداد تا ن بود ، و من حالا ( !! ) برای تخریب و ویرانی اش کمر بسته ام مطلقاً حرفی بزبان نمی آوری

عبدالمطلب در جواب ابرهه گفت : ( انا رب الابل وان للبيت رباً سيمنعه ! ) ( من مالک شتر های خود هستم و مطالبه استرداد دوباره آنرا از شما دارم ، این معبد و عبادت گاه ( . و این خانه مالک دیگری دارد که خود از آن حفاظت خواهد کرد )

واقعاً همانطور هم شد ، زمانیکه لشکریان ابراهه به منطقه وادی محسر میرسند ، ابابیل‌ها بر سپاه ابراهه حمله ور شدند . ( تر میهم بحجاره من سجیل ) به پرتاب سنگ های ، بر لشکر متجاوز ابراهه آغاز مینمایند ، و این لشکر ۶۰ هزار نفری ابراهه را به شکست و رسوای مواجه ساخته ، و خانه کعبه را از تخریب و ویرانی نجات میدهند ، اینست . معجزه آسمانی که در دفاع از کعبه در وادی محسر به اتفاق افتاده است .

پایان

